

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۰۹

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
Reflection on Existential Levels of Environment and its
Manifestation in Iranian-Islamic Cultural Context
(Case Study: Yard)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

تأملی در مراتب وجودی محیط و تجلی آن در بستر فرهنگی ایرانی اسلامی (نمونه موردی حیاط)

جواد گودینی*
الهام بختیاری منش**
ناصر براتی***

چکیده

محیط یکی از واژه‌های پرکاربرد در مباحث مختلف از جمله معماری است. از آنجاکه هدف غایی معماری، طراحی محیط است؛ تبیین ماهیت وجودی معنایی محیط (که اتفاقاً کمتر مورد بحث بوده و به یک مسئله بدل شده) می‌تواند نقش شایانی در هدافتمند شدن مسیر طراحی و نقد داشته باشد. لذا هدف از مقاله پیش رو در عالی‌ترین سطح خود، پویای ماهیت محیط در عرصه معماری ایرانی اسلامی است. این مقاله که با استفاده از روش (تحقیق) استدلال‌های عقلی و با اتکا به مرتبه‌بندی هستی‌پدیده‌ها در حکمت ایرانی اسلامی انجام پذیرفته است، هم آن داشته که با بررسی معنایی واژه محیط و معادل‌های آن در زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی، برخی از وجوه ماهیتی محیط را استخراج کند. علاوه بر این، با رجوع به حکمت ایرانی اسلامی (و در صدر آن آموزه‌های قرآنی)، پویای دلالت‌های معنایی محیط ادامه یافته است. مقاله در ادامه به استخراج معانی حیاط در زبان فارسی، بینش اسلامی و معماری ایرانی اسلامی پرداخته است. نتایج تحقیق مؤید این مطلب است که محصوریت مادی اولین مرتبه از محیط است. در این مرتبه محیط جسمی است که خالی را دربر گرفته و اجسام دیگر را در خود جای داده است. محیط، در این مرتبه به سان یک جایگاه مادی نمود می‌یابد. آگاهی از محیط به مثابه حوزه‌های متمایز از حوزه پیرامونش دومین مرتبه محیط است. مخاطب این مرتبه ذهن آدمی است و عواملی مانند نوع زندگی، رویدادها و رفتارهای متمایز به انضمام عناصر متمایزکننده طبیعی به تفکیک این حوزه از حوزه پیرامونش کمک می‌کنند. از آنجاکه زندگی و آگاهی دو لایه معنایی از این مرتبه به شمار می‌آیند، محیط در این مرتبه به مثابه قرارگاهی رفتاری ادراکی متجلی می‌شود. سومین و بالاترین مرتبه محیط از طریق وقوف به احاطه وجودی برتر محقق می‌شود. در این مرتبه که با نقش‌آفرینی نمادها تحقق می‌یابد؛ محیط بر سکونتگاهی معنوی دلالت دارد که تسکین‌دهنده روح آدمی است. بدیهی است این مراتب به صورت اعتباری تعیین شده‌اند و درحقیقت می‌توان طیفی پیوسته از مراتب محیط را متصور شد. علاوه بر این، نتایج، نشان‌دهنده آن است که دلالت‌های معنایی حیاط، قرباتی نزدیک با دلالت‌های معنایی محیط دارد؛ این امر مؤید آن بوده که حیاط به مثابه یکی از هم‌خانواده‌های محیط و به مثابه یک فضای انسان‌ساخت، نمونه یا الگویی از یک محیط ایرانی اسلامی است که هر سه مرتبه در آن متجلی شده است.

واژگان کلیدی

معماری ایرانی، محیط، مراتب معنایی، حیاط.

*. دکتری معماری، استادیار گروه معماری دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه رازی کرمانشاه، نویسنده مسئول ۰۹۱۲۵۵۰۹۵۲۱
j.goudini1980@yahoo.com
**. دکتری معماری، استادیار گروه معماری دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه رازی کرمانشاه. elham_bakhtiary@yahoo.com
***. دکتری شهرسازی، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین. naser.barati2012@yahoo.com

مقدمه

علوم گره خورده با محیط اعم از روان‌شناسی محیطی و طراحی محیطی در زمره موضوعات نوظهور ادبیات معماری ایران قرار دارد. این مباحث بخشی از دغدغه‌ها و انتقادهای وارد به تفکر مدرن است که از دهه‌های شصت و هفتاد قرن پیشین حیات یافت. مک‌اندرو^۱ شکل‌گیری روان‌شناسی محیطی به مثابه یک رشته علمی را به سال‌های ۱۹۶۰ نسبت می‌دهد با این حال اذعان دارد که این رشته وابسته به نظریات ادراکی سال‌های قبل از جمله نظریه گشتالت است که توسط افرادی همچون مکس ورتایمر^۲ و لنگانگ کهلر^۳ و کورت کافکا^۴ در آلمان رشد یافت. مهم‌ترین دغدغه روان‌شناسی محیطی تعاملات و روابط میان مردم و محیط است (مک اندرو، ۱۳۸۷: ۱۲-۱). رخنه مبحث انسان-محیط یا مطالعات رفتار-محیط به حوزه معماری روندی تدریجی دارد که از انتقادهای اولیه توسط گروه ده در سال‌های ۴۰ و ۵۰ آغاز می‌شود. این انتقادات در سال‌های بعد با نظریات افرادی همچون جیکوبس^۵ رشد یافته و در مرحله سوم با کمک گرفتن از نظریات علوم رفتاری به اوج خود می‌رسد (لنگ، ۱۳۸۳: ۷۶). سال ۱۹۶۸ را می‌توان تاریخ پایه‌گذاری رسمی مطالعات رفتار-محیط دانست. در این سال انجمنی متشکل از معماران، برنامه‌ریزان و جامعه‌شناسان با عنوان انجمن پژوهش طراحی محیطی^۶ شروع به فعالیت کرد (Moore, 1979: 19). اقدامات، پژوهش‌ها و مطالعات آنها پیرامون تأثیر متقابل انسان و محیط است. راپاپورت^۷ از جمله افرادی است که به شناخت محیط و نحوه اثرگذاری و اثرپذیری آن در جوامع مختلف علاقه‌مند بوده و پژوهش‌های فراوانی در این خصوص انجام داده است. از نظر راپاپورت فرهنگ مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده شکل بنا (بالاخص خانه) است (راپاپورت، ۱۳۹۲: ۸۳). در دیدگاه او، عامل فرهنگ نه تنها به محیط مصنوع شکل می‌دهد بلکه به ادراک معانی نهفته در محیط نیز کمک می‌کند. اولین نکته در شروع تحقیق حاضر، پذیرش نقش کلیدی فرهنگ در تبیین ماهیت محیط است. از سوی دیگر راپاپورت در تبیین ماهیت محیط، چهار سیستم ارایه می‌کند. ۱. سیستم فضا، زمان، معنی و ارتباط؛ ۲. سیستم استقرارها؛ ۳. چشم‌اندازهای فرهنگی؛ ۴. سیستمی از عناصر ثابت، نیمه‌ثابت و غیرثابت (راپاپورت، ۱۳۹۰: ۴۴). اگرچه مقوله فرهنگ در بطن هر چهار سیستم فوق قابل پویست است اما اساساً ماهیت یا معنی محیط بر مبنای فرهنگی خاص استوار نیست. لذا نکته دوم در شروع تحقیق حاضر عدم تبیین ماهیت محیط بر مبنای فرهنگی خاص است. بنابراین با رخنه مباحث طراحی محیطی در معماری ایرانی اسلامی، این مسئله خودنمایی می‌کند که محیط در این فرهنگ چگونه تعریف می‌شود.

سؤالات و اهداف تحقیق

همان‌گونه که تشریح شد، تحقیق پیشرو هم آن دارد تا محیط را که یک مفهوم کلیدی در طراحی محیطی است بر پایه فرهنگ ایرانی اسلامی تعریف کند. از سوی دیگر از آنجاکه محیط یک مفهوم کلی است و باید در قالب مصادیق تجلی یابد، پس مقاله می‌کوشد تا وجوه آن را در حیطه به مثابه یکی از مصادیق معماری ایرانی اسلامی مورد پژوهش قرار دهد. لذا سؤالات تحقیق پیشرو عبارت است از اینکه :

- در بستر فرهنگ ایرانی اسلامی، محیط بر چه وجوهی دلالت دارد؟
- حیطه به مثابه یک خردفضای معماری ایرانی تا چه حدی برخوردار از این وجوه است؟

پاسخ‌دادن به این سؤالات در درجه نخست به فهم وجوه محیط (و حیطه) کمک می‌کند. از سوی دیگر همان‌گونه که در مطالب پیش اشاره شد، فرهنگ عاملی تعیین‌کننده در طراحی و ادراک محیط مصنوع به‌شمار می‌آید. لذا تعریف محیط بر پایه ابعاد فرهنگی همچون زبان، بینش و معماری ایرانی اسلامی، سبب می‌شود تا در حوزه‌های طراحی، ارزیابی، نقد و ادراک فضاها به ماهیت همزمان محیط و فرهنگ توجه شود.

پیشینه تحقیق

همان‌گونه که در مطالب فوق گفته شد، تحقیق حاضر در تلاش است تا به کشف مراتبی از حدود محیط (و حیطه) براساس معرفت ایرانی اسلامی بپردازد. گفتنی است در خصوص حدود و وجوه محیط تحقیقات متعددی انجام شده است. در صدر این تلاش‌ها می‌توان به کتاب راپاپورت (۱۳۸۴) با عنوان «معنی محیط ساخته‌شده» اشاره کرد که سعی در تبیین ارتباطات غیرکلامی فضاهای انسان‌ساخت دارد. علاوه بر این و در ادبیات معماری و شهرسازی ایران نیز جلیلی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «ماهیت محیط»، به مرور ماهیت محیط در ادبیات روان‌شناسی محیطی پرداخته و مدل‌هایی از صاحب‌نظرانی نظیر کرک^۸، سانفلد^۹ و ... را تبیین کرده است. تحقیقات فوق و مدل‌های ارائه‌شده در آنها، اگرچه گاهاً نظیر مدل سانفلد بر نظامی سلسله‌مراتبی متکی است، اما از آنجاکه براساس معرفت ایرانی اسلامی تبیین نشده‌اند از موضوع مقاله حاضر فاصله می‌یابند. از سوی دیگر، اعتقاد به نظام مراتبی در معماری بر مبنای معرفت اسلامی و تلاش در جهت کشف این مراتب موضوع چندین تحقیق در سال‌های اخیر بوده است. سامه (۱۳۹۲) در رساله دکتری خود که به مبحث معماری و کیفیت زندگی انسان اشاره دارد، بر پایه نظام معرفتی اسلام به معرفی مراتبی سه‌گانه برای معماری و زندگی انسان پرداخته است. سامه و صداقت (۱۳۹۲)، معتقدند مراتب

یک روش استفاده شود. براین اساس با اتخاذ یک رویکرد قیاسی و با مددگرفتن از قدرت استدلال به مقایسه معانی محیط و حیاط در زبان، بینش و معماری ایرانی اسلامی پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری

از آنجاکه آثار تبلور یافته در معماری ایرانی اسلامی غالباً نمونه‌های اعلائی از معماری هستند و می‌توان انتظار داشت بهترین نمونه‌های محیط ساخته شده در این نوع معماری یافت شود، سراغ گرفتن از اندیشه پشתיبان این نوع معماری که حکمت اسلامی است می‌تواند ما را به هدف این پژوهش نزدیک کند. از سوی دیگر در اندیشه اسلامی، سرچشمه حکمت اسلامی به کلام الهی که کامل‌ترین منابع است می‌رسد. بنابراین، تمسک به کلام وحی و به تبع آن حکمت اسلامی مبنای نظر در این پژوهش خواهد بود.^{۱۱} در این مسیر در جاهایی مستقیماً به آیات قرآن استناد خواهد شد و در جاهایی اصول حکمت اسلامی مبنای عمل قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین اصل در اندیشه اسلامی، واحد بودن منشأ^{۱۲} (و مقصد^{۱۳}) عالم است. این اصل توحیدی که به انحاء مختلف و به کرات در آیات قرآن آمده^{۱۴}، وجه مشترک آراء حکمای مسلمان را تشکیل می‌دهد.^{۱۵} منشأ واحد عالم از طریق فیضان، انبساط، تابش یا ظهور از خفا بیرون آمده و تجلی می‌یابد. از آنجا که از واجب الوجود به دلیل وحدتش، در نخستین تجلی، جز واحد نمی‌تواند حاصل شود، همه اشیاء متکثر عالم نمی‌توانند در اولین تجلی به وجود آیند و لازم است سلسله مراتبی از تجلی و خلق وجود داشته باشد (ابن سینا، ۱۳۸۳: ۱۱۲). به این ترتیب سلسله فیضان یکی پس از دیگری، تا آنجا ادامه می‌یابد که تمامی عالم را به وجود آورد.^{۱۶} در هر مرتبه از این تجلی، به دلیل فاصله گرفتن از مبدأ، از شدت وجود کاسته می‌شود. به این ترتیب، عالم ناگزیر از داشتن سلسله مراتبی طولی است که از شدیدترین مرتبه وجود تا ضعیف‌ترین مرتبه آن بسط یافته است. در این سلسله مراتب، موجودات دارای تقدم وجودی، به واحد نزدیک‌ترند، بهره بیشتری از وجود دارند و لاجرم کامل‌ترند.^{۱۷} در کلام دیگر آنکه طیف به هم پیوسته عالم برحسب مراتب تجلی و ویژگی‌های موجوداتی که در هر مرحله ایجاد می‌شوند، مراتبی خواهد داشت. استفاده از صفات تفضیلی متعدد در قرآن کریم برای تشریح پدیده‌های گوناگون و یا مقایسه آنها، نشأت گرفته از همین مراتب ارزشی است.^{۱۸}

حکما آنرا اعتباراً در سه مرتبه اصلی، متناظر با سه عالم، تعریف کرده‌اند؛ عالم معنا، عالم مثال و عالم محسوس (کربن، ۱۳۷۷: ۴۸۳). عالم معنا، عالم ویژگی‌ها، تمایزات، استعدادها و ماهیات است که لزوماً کلی و ثابت‌اند (ابن عربی، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

معماری متوقف به مراتب وجودی انسان بوده در نسبت با آن تعیین می‌یابد. براین اساس تناظری مستقیم میان مراتب معماری (یعنی بنا، محیط و مکان) با مراتب سه‌گانه وجودی انسان (یعنی جسم، نفس و روح) و ساحات سه‌گانه آن (یعنی طبیعت، غریزه و فطرت) برقرار است. البته آنها بر این نکته نیز اصرار دارند که نفس در تقرب به جسم یا روح می‌تواند موجد دو مرتبه بینابینی نفس اماره و نفس مطمئنه باشد. از آنجاکه معماری وظیفه پاسخ‌گویی به ابعاد مختلف انسان را دارد، محققان، دو مرتبه سرپناه و فضا را در تناظر با این ابعاد معرفی می‌کنند. سامه (۱۳۹۳)، در راستای این نظام مراتبی، معتقد است که معماری در هر مرتبه‌ای، با یکی از لایه‌های زندگی آدمی یعنی زندگی مادی، زندگی نفسانی و زندگی معنوی پیوند می‌یابد. بختیاری منش (۱۳۹۳) برحسب ارتباط ظاهر اثر معماری با معنا و به پشتوانه سلسله مراتبی که در حکمت اسلامی برای عالم (و هر آنچه در آن است) تصویر شده، طیفی طولی برای معماری معرفی می‌کند. حد بالای این طیف، معماری است که عمیق‌ترین پیوند را با معنا دارد و حد پایین آن، بنایی است که از کمترین معنا برخوردار است. این دو حد اعتباری‌اند و تبیین ویژگی‌های آنها در تعیین جایگاه کیفی آثار معماری که اغلب جایی در میانه این طیف و نزدیک به یکی از دو حد دارند، کارگشاست. براین اساس «روایتگر» سکونت انسان بودن، «داشتن تأثیر مثبت» در زمینه‌ای که بنا به آن تعلق دارد و نهایتاً «تداوم» داشتن در قالب الگویی از شیوه‌زیستن از ویژگی‌های معماری در بالاترین حد کیفی‌اش است. در حالی که صرفاً «دیده شدن»، «تسلط بر محیط» و «استحکام صرفاً جسمانی»، می‌تواند نشانه‌های کمبود کیفیت و پایین بودن مرتبه اثر معماری باشد. فارغ از تمایزها و تشابه‌های موجود در تحقیقات فوق، دلالت‌های رتبه‌بندی آنها بر کلیت معماری اشاره دارد و به دنبال کشف این دلالت‌ها در موضوعی خاص یعنی محیط ایرانی اسلامی (بالاخص حیاط) برنیامده‌اند. با این تفاسیر، تحقیق حاضر از این سری تحقیقات نیز فاصله دارد. لذا تحقیق پیش‌رو واجد بداعتی خاص در موضوع انتخابی است.

روش تحقیق

در جواب اینکه «محیط چیست» و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد، به دو طریق می‌توان عمل کرد؛ اول مراجعه به محیط‌های گوناگون و سعی در احصاء ویژگی‌های مشترک آنها به روش استقراء و دوم؛ در نظر گرفتن یک دستگاه فکری مبنایی و تلاش در جهت تبیین ویژگی‌های محیط به روش قیاسی. ماهیت این پژوهش به طریق دوم نزدیک‌تر است. از سوی دیگر ماهیت غیرتاریخی محیط (که در این تحقیق مدنظر بوده)، باعث شده تا از استدلال‌های منطقی به مثابه

پویش معنایی محیط در زبان

بررسی فرهنگ لغات معین، عمید و دهخدا نشان می‌دهد که محیط واژه‌های معرب، گسترده و چندمعنایی بوده و به لحاظ معنایی در مقابل محاط قرار دارد. همچنین مقایسه این منابع نشان می‌دهد که معانی ارایه‌شده در فرهنگ لغت دهخدا کامل‌تر از دیگر منابع بوده و حول چند محور قابل دسته‌بندی است. فراگیرنده، دربرگیرنده و یا احاطه‌کننده نخستین سری از معانی ارایه‌شده برای این واژه است، که احاطه چیزی بر چیز دیگر را نشان می‌دهد.^{۱۹} محیط در معنای دیگر خود به خطی اطلاق می‌شود که پیرامون یک شکل اعم از دایره کشیده می‌شود.^{۲۰} محیط در این معنا نیز در تداوم همان معنای پیشین محیط یعنی دربرگرفتن قرار دارد. اما نکته مستتر در این معنا، حضور یک عامل محسوس و فیزیکی است که دربرگرفتن را تصویر می‌کند. سومین معنای محیط، به جای زندگی انسان و دیگر موجودات اشاره دارد. محیط در این معنا به عرصه حیات یا زیست موجودات گفته می‌شود که می‌تواند معادل عالم، دنیا و ... باشد.^{۲۱} آگاه، مطلع یا دریابنده چهارمین سری از معنای محیط است که مؤید وقوف بر رموز یک پدیده است.^{۲۲} یکی دیگر از کاربردهای معنایی محیط در زبان فارسی، اشاره این واژه به اقیانوس یا دریایی است که گرداگرد زمین را فراگرفته است.^{۲۳} در این معنا نیز احاطه‌داشتن از طریق عوامل محسوس پدید آمده است. آخرین معنایی که می‌توان در زبان فارسی برای محیط یافت، اشاره این واژه به یکی از اسماء الهی است که در قرآن کریم چندین بار به کار رفته است. گفتنی است احاطه، محاطه‌کردن، احاطه‌داشتن، محیط‌شدن، محیط‌کردن، محیط‌آمدن، محوطه، حیاط، محاط و حیطة از واژه‌های هم‌خانواده محیط محسوب می‌شوند که نشانه‌هایی از معنای مندرج در محیط را به نمایش می‌گذارند. رجوع به فرهنگ لغات عربی از جمله المُنجد (معطوف، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۴۶) و الوسیط (انیس و دیگران، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۳۶)، نشان می‌دهد که واژه محیط، اسم فاعلی است از فعلی احاط و معنای آن با معنای ارایه‌شده در زبان فارسی تقریباً مشابه است؛ با این تفاوت که محیط در زبان عربی کمتر به معنای دریا به کار رفته است. بررسی هم‌خانواده‌های محیط در زبان عربی علاوه‌براینکه دلیل دیگری بر نزدیکی معنای این واژه در دو زبان است، حاوی نکته‌ای جالب توجه بوده و آن اینکه احاطه‌داشتن در زبان عربی نیز تاحدودی وابسته به عوامل محسوس و فیزیکی است. به عنوان مثال در واژه‌های الحائط (به معنای باغ محصور)؛ الحواطه (به معنای چهاردیواری)؛ حَوَّطَ (به معنای دیوارکشی‌کردن) و حائطاً (به معنای بنای دیوار) تأثیرگذاری عوامل فیزیکی بالاخص دیوار در تحقق فعل احاطه کاملاً مشخص است.

در زبان انگلیسی متداول‌ترین واژه معادل محیط،

این موجودات، بطون موجودات عوالم مادون خود، حقیقت و علت آن موجودات هستند (شریف، ۱۳۶۲: ۵۷۹). موجودات عالم مثال تجلی معانی‌اند و درعین حال به دلیل فراغت از زمان و مکان، متفاوت از محسوسات جسمانی، لطیف‌تر، مجردتر و متعالی‌تر از آنها هستند (کربن، ۱۳۸۳). در عالم مثال، هندسه، یعنی نسبت‌های محسوس، مقادیر بدون زمان، مکان و جرمیت ظاهر می‌شود (همان: ۱۶۶). و درنهایت موجودات عالم اجسام در نهایت فردیت و تکثر و در قید زمان، مکان‌اند (گنون، ۱۳۸۹: ۳۱). «اندازه‌مندی» در عالم محسوس در قالب «کمیت» و «ماده» ظاهر می‌شود. مراتب سه‌گانه عالم میان دو حد وجود و عدم قرار دارند. پیوستگی مراتب و گسترش آن از بالا به پایین، هر جزء از این نظام را لزوماً با مرتبه مافوق‌اش مرتبط می‌کند، زیرا هر موجود ماهیت و وجودش را از منشأیی متناظر با خود اما کلی‌تر و حقیقی‌تر می‌گیرد. پس هرآنچه دیدنی است طی مراتبی، ریشه در عالم معنا دارد. همان‌گونه که اشاره شد، وجود مراتب مختلف مختص عالم هستی نیست و پدیده‌های دیگر من جمله انسان نیز دارای این ابعاد یا عوالم رتبه‌بندی شده هستند. درخصوص انسان نیز طبقه‌بندی‌های سه‌گانه‌ای از جمله عالم جسمانی، عالم نفسانی و عالم روحانی وجود دارد.

این دومین اصل مهم حکمت اسلامی است که عالم و همه موجودات را محصول تجلیات مرتبه‌مند منشأ واحد به حساب آورده و به این ترتیب همه موجودات را در ارتباط با آن منشأ می‌داند. در این صورت هر پدیده واجد منشأ عمیق، لازمان و لامکان است و درعین حال می‌تواند تجلیات گوناگون و شکل‌های مختلفی به خود ببذیرد. این امر در آیه شریفه «... مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»^{۱۸} به روشنی آمده است. بر این مبنا برای هر پدیده طیفی طولی می‌توان در نظر گرفت و به تناظر سه مرتبه عالم سه وجه یا مرتبه برای هر پدیده احصاء کرد.

با تکیه بر این مبنای نظری می‌توان درباره چيستی محیط به احکامی دست یافت؛ «محیط» هم به مانند هر پدیده دیگری، ماهیت، جوهره، اصل و معنایی ثابت دارد که در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون تغییر نمی‌کند. این وجه مشترک همه محیط‌های ساخته‌شده است. درعین حال هر محیط وجوه خاصی هم دارد که وابسته به زمان و مکان و ... است. تنوع انواع محیط‌ها ناشی از این وجه است. برحسب میزان بهره‌مندی محیط‌ها از آن اصل ثابت، طیفی طولی از انواع محیط‌ها وجود دارد. بعضی از محیط‌ها به ماهیتشان نزدیک‌تر و در نتیجه محیط‌ترند. در طیف طولی انواع محیط می‌توان اعتباراً سه مرتبه یا سه دسته ویژگی را متناظر با سه مرتبه عالم یا انسان تشخیص داد.

یا معنوی بوده و به تمایز محیط در زبان فارسی و عربی از زبان انگلیسی کمک می‌کند. گفتنی است جدا از تفاوت یادشده، وجوه مشخصی از محیط در معانی Environment مشابه است. اولین وجه اشتراکی آنها را می‌توان این‌گونه عنوان نمود که هر دو واژه در معنای خود بر کلیتی دلالت دارند که از عناصر متعدد نظیر انسان و غیره ساخته شده است. دومین وجه مشترک آنها وجود عوامل فیزیکی و محسوسی است که کلیت مذکور را دربر گرفته و بر آنها احاطه دارد (جدول ۱).

پویش معنایی محیط در بینش اسلامی

در قرآن کریم واژه محیط و هم‌خانواده‌های آن به وفور تکرار شده است.^{۲۴} تأمل در آیات مذکور نمایانگر آن است که دربرگرفتن یا محصورشدن یکی از ابتدایی‌ترین وجوه محیط است که می‌تواند ناشی از عوامل محسوسی همچون امواج دریا^{۲۵}، آتش^{۲۶} یا غیره باشد. علاوه بر این، در برخی از آیات شریفه، دربرگرفتن محیط معادل با غرق‌شدن در معصیت یا نازل‌شدن عذاب و غیره تصویر شده است. محیط در دیگر معنای قرآنی خود بر دانستن، فهم و یا علم‌داشتن بر چیزی دلالت دارد. این نوع احاطه می‌تواند علم به قرآن^{۲۷} یا علم به دیگر پدیده‌ها^{۲۸} باشد. فارغ از وجوه تبیین‌شده فوق، مهم‌ترین وجه محیط در بینش اسلامی، معنویت یا الوهیت توأم با آن است. آگاهی خداوند از تمامی حقایق، محصوربودن هستی در قدرت خداوند به انضمام محیط‌بودن او با استناد به آیات

Environment است. این واژه از ریشه فرانسوی environer گرفته شده که بر «احاطه‌کردن، احاطه‌شدن، حلقه‌زدن، شامل‌بودن، دربرگرفتن» دلالت دارد. دو جزء اول این واژه یعنی En+viron معادل در (داخل، درون) + یک دایره یا یک مدار است. بر این مبنا محیط در زبان انگلیسی معنای «احاطه‌شدن» و «دردرونی‌بودن» می‌دهد. علاوه‌براین، بررسی فرهنگ‌لغات انگلیسی لانگمن و آکسفورد نشان می‌دهد که معنای واژه Environment در دو دسته قابل تقسیم است. در معنای نخست، این واژه به مجموع سه عنصر آب، خاک و هوا اطلاق می‌شود که انسان و حیوانات در (یا بر) آنها زندگی می‌کنند. در معنای دوم، این واژه شامل شرایط یا موقعیت‌هایی است که انسان‌ها در آن زندگی، کار و یا فعالیت می‌کنند (OALD, 2007: 511) و (LDCE, 2007: 523).

پویش‌های فوق حاکی از شباهت معنایی محیط در زبان فارسی و عربی است. این شباهت می‌تواند ناشی از دو عامل باشد. نخست آنکه واژه محیط عربی بوده و بدون هیچ‌گونه تغییر به زبان فارسی وارد شده است. دوم آنکه، جهان‌بینی مشترک فارسی و عربی به قرابت و همسان‌شدن معنای محیط کمک کرده است. ازسوی دیگر مقایسه معنای دو واژه محیط و Environment نشان می‌دهد که محیط در زبان‌های عربی و فارسی دارای ابعاد یا جنبه‌های بیشتری است. اشاره به باری‌تعالی و قدرت انحصاری او به انضمام تأکید ضمنی بر آگاهی و درک شرایط پیرامونی از معنای انحصاری واژه محیط است. این ابعاد ارزشی

جدول ۱. وجوه اشتراکی و افتراقی در معنای واژگان محیط و Environment. مأخذ: نگارندگان.

وجوه اشتراکی	وجوه افتراقی
<p>واژه‌های محیط و Environment</p> <p>تاکید بر واژه‌هایی همچون کل، مجموع، تمامیت، ترکیب،</p> <p>تاکید بر اجزا و روابط</p> <p>تاکید بر انسان، حیوانات، عناصر طبیعی، فیزیکی و... در کنار یکدیگر</p> <p>درب‌گرفتن محیط و Environment از طریق:</p> <p>حضور عناصر فیزیکی و محسوس</p>	<p>معنویت محیط نسبت به Environment از طریق:</p> <p>محیط وجهی معنوی دارد</p> <p>احاطه ادراکی مستتر در محیط نسبت به Environment از طریق معنای:</p> <p>وقوف بر رموز پدیده‌ها</p>

سلام (مولوی)

حایطی^{۳۴} بودش درختی در میان

بر درختش کرد مرغی آشیان (عطار)
دهخدا نیز در ذیل واژه حایط به دیوار (یا دیوار باغ) و بستان
دیواربست اشاره کرده است. علاوه براین، حیات (به عنوان
جمع واژه حایط) در این فرهنگ فضایی بسته و محدود
به عناصر کالبدی معنا شده است^{۳۵} تبیین‌های فوق که در
زبان فارسی صورت گرفته‌اند، به صراحت بر وابستگی ماهیت
حیات به عناصر کالبدی دلالت دارند. ازسوی دیگر با ارجاع
به معماری ایرانی می‌توان دریافت که هستی حیات در الگوی
درون‌نگرای خود منوط به حضور توده پیرامونی است^{۳۶}. توده
بیرونی با فضای میانی، رابطه‌ای پیوسته و ناگسستنی ایجاد
می‌کند تا آفریننده دو گونه فضای فعال (اثرگذار) و منفعل
(اثرپذیر) باشد. در این رویه فعل و انفعالی، فضای حیات، با
توسل به کالبد، و با تحدید فضای بیکران در گستره افق،
هستی مجزا و انسان‌ساختی می‌یابد که در تداوم هستی
پیشین و الهی خود است^{۳۷}. در این مرتبت ماهیت وجودی
حیات مرزهایی مادی است. خاک (و متعلقات آن) مهم‌ترین
عنصری است که در مرتبت ماده (یا جسم) نقش‌آفرینی کرده
و به غالب شدن ماده بر فضا، یا محصور شدن فضا در جداره‌های
چهارگانه کمک می‌کند. حیات در این مرتبت، ماهیتی است
که در پناه ویژگی‌های خود نظیر قدر^{۳۸}، شکل، حد، جهت،
جا، بعد، رنگ، بافت، فرم، ثبات، هندسه، نظم، نسبت، مقیاس،
ظرفیت، توازن، ساختار و غیره عینیتی جسمانی یافته است.
در پناه حصارهای مادی حیات، ناکجایی رنگ باخته و فضا
به مثابه یک جایگاه نمود می‌یابد (تصویر ۱). در این شرایط
فضا از دیگر عرصه‌ها جدا شده و برای حضور در آن به اجزایی
همچون ورودی نیاز است^{۳۹}.

تبیین حیات در ادبیات فارسی معاصر عمدتاً توأم با پدیده‌هایی
همچون حوض، باغچه، گل و غیره صورت گرفته است^{۴۰}. در
معماری ایرانی حیات دربرگیرنده این مظاهر طبیعی بوده و با
توسل به آنها ماهیتی سرزنده می‌یابد. حیات^{۴۱}، جنب و جوش
یا تحرک^{۴۲}، سرسبزی^{۴۳} و ... حیات را می‌توان در بادی امر
به آب نسبت داد. آب یکی از پدیده‌هایی است که در قرآن
کریم به همراه وحی، کتاب، آرامش، تورات، فرشتگان، قرآن،
فضل، آیات، ذکر، رزق، علم و ... از تبیینی آسمانی-زمینی
برخوردار بوده و بر این جهت تأکید می‌کند^{۴۴}. محیط حیات
همانند دیگر محیط‌های انسان‌ساخت در پرتو نزول آب، جان
گرفته و از کالبد خاکی فاصله می‌گیرد^{۴۵}. با توسل به همین
شرایط محیط حیات از وجه قبلی خود خارج و به وجهی
دیگر درمی‌آید^{۴۶}. از درهم‌تنیدگی زندگی و مرگ مهم‌ترین
ویژگی مرتبت جان است که بر تمام پدیده‌ها حاکم بوده^{۴۷}
و در فضای حیات (به انضمام عناصر آن) به نمایش گذاشته

شریفه إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ^{۲۹}، أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ^{۳۰}
و وَاللَّهُ مُحِيطٌ^{۳۱} مرتبتی ارزشمند به محیط می‌بخشد. تفکر
اسلامی به رابطه‌ای منسجم از محیط (خدا) و محاط (غیر او)
در کل هستی قائل است. در این نظام توحیدی، خداوند محیط
علی‌الاطلاق خوانده می‌شود که هم محیط بر انسان و هم
دربرگیرنده اوست (جهانگیر، ۱۳۹۰: ۶۸). محاط شدن انسان
در محیط الهی، به تجربه محیط توأم با معنویت می‌انجامد.
انسجام محیط و محاط در عرفان اسلامی به وحدت وجود
یا شهود تعبیر می‌شود و قرائتی توحیدی از محیط ارایه
می‌دهد. این نگاه وحدت‌بخش از محیط به محیط طبیعی
نیز تسری می‌یابد. بدین‌سان طبیعت و هرآنچه در اوست
مظهری از وجود خداوند است (بلخاری قهی، ۱۳۸۴، ۳۷۱).
این مظاهر طبیعی از یکسو تسبیح‌گویان خداوندی و ازسوی
دیگر نشانه‌ای از وجود اوست^{۳۲}. لذا تفکر توحیدی اسلام،
طبیعت را همانند محیط، ماهیتی مقدس و معنویی تبیین
می‌کند. متعاقب این نگاه، رابطه انسان و طبیعت به رابطه‌ای
معنوی بدل می‌شود. در این رابطه، انسان و طبیعت هر دو
آفریده‌های خداوند محسوب می‌شود. این آفریده‌ها محاط در
قدرت خالق بوده و مقید به روابط تعیین‌شده از سوی او
هستند (زرروانی و خداجویان، ۱۳۸۴: ۲۶۳-۲۵۳). به زبان
خلاصه می‌توان گفت، بینش اسلامی محیط، محیط طبیعی
و مظاهر آن را کلیتی منسجم می‌داند که در حصار معنویت،
قدرت و آگاهی خداوند گرد آمده است.

گفتنی است وجوه بیان شده محیط در قرآن کریم اعم از
دربرگرفتنی (یا همان محصوریت)، آگاهی داشتن از امور به
انضمام معنویت محیط در ادعیه اسلامی نیز متجلی شده‌اند.
به عنوان مثال آگاهی داشتن یا علم خداوندی بر پدیده‌ها در
دعای جوشن کبیر (يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا)، دعای
کمیل (وَ يَعْلَمُكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ)، دعای عرفه (وَلَا
رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ) و غیره
تکرار شده است.

پویش معنایی حیات در زبان، بینش و معماری ایرانی-
اسلامی

برخلاف واژه محیط که به کرات مورد استفاده شاعران
ایرانی اعم از پیشین و معاصر قرار گرفته است، واژه حیات
به ندرت در نوشتار شاعران پیشین مشاهده می‌شود. حیات
در لغت جمع حائط یا حایط است. این واژه چندین بار در
اشعار مولوی، عطار، ناصر خسرو و ... استفاده شده است.
از مقایسه ابیات دوگانه زیر می‌توان دریافت که حایط در
اشعار فارسی، هم بر دیوار دلالت دارد و هم بر فضایی که در
حصار آن شکل می‌گیرد.

دوستی ببرید زان مخلص تمام

رو به حایط^{۳۳} کرد تا نارد

جهت نمادپردازی ظلمت و هدایت از دیگر مواردی است که در فضای حیاط بیش از دیگر فضاهای انسان‌ساخت متجلی می‌شود. نمادپردازی‌های یادشده مؤید این است که بالاترین وجه یا مرتبت حیاط رسیدن به معنویت و الوهیت در فضا است (تصویر ۳).

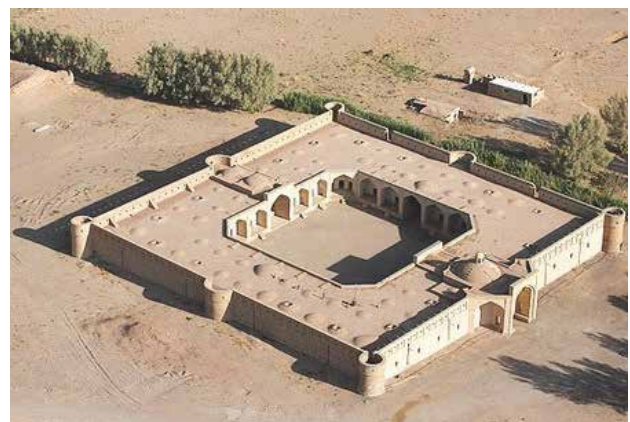
بحث

از مباحث پیشین چنین برمی‌آید که محیط در زبان و بینش اسلامی تبیینی این‌چنینی داشته است: محیط یعنی دربرگرفتنی پدیده‌های توسط پدیده دیگر که معرّف محدودشدن یا محصوریت آن است. این محصوریت عمدتاً و بدو از طریق عوامل محسوس و فیزیکی (اعم از خط پیرامونی اشکال، مرزهای آبی، امواج، دیوارها و جداره‌ها، ...) صورت می‌گیرد؛ هرچند عوامل غیرفیزیکی (نظیر احکام و ...) نیز می‌توانند بر محصوریت تأکید کنند. در درون محدوده ایجادشده، یک عرصه زیستی و غیرزیستی پدید خواهد آمد که دربرگیرنده یا محل زندگی پدیده‌های مختلف اعم از انسان و غیره است. عامل محیطی بر رمز و رازهای پدیده یا پدیده‌های دربرگرفته احاطه داشته و این وضعیت گونه‌ای از آگاهی را نوید می‌دهد. احاطه مذکور، یک‌طرفه بوده و عناصر محاطی نمی‌توانند بر عامل محیطی علم کامل یابند. از آنجاکه خداوند در همه حال بر هستی محیط علی‌الاطلاق است، لذا محدوددهای که تحت عنوان محیط تحدید می‌شود به تسبیح خداوندی مشغول است و سراسر آیات و نشانه‌های الهی را متجلی می‌سازد. بنابراین محیط، تجلی خداوندی بوده و برخوردار از معنا، معنویت یا

می‌شود. در این مرتبت، محیط حیاط نه‌تنها زنده است که ظرفی برای زندگی پدید آورده و به مثابه یک قرارگاه رفتاری عمل می‌کند (تصویر ۲)؛ (Rapoport, 2007: 58-64). فرهنگ ایرانی‌اسلامی برای این قرارگاه، بسته به رفتارهای انسانی حاکم بر آن اعم از سکونت و غیره، مرزهایی نامرئی قائل شده است^{۴۸} تا مکمل مرزهای مادی مرتبت قبلی باشد. براساس آموزه‌های قرآنی، سکونتگاه نخستین و پایانی انسان بهشت است^{۴۹}. درمقابل این سکونتگاه حقیقی، زندگی در زمین موقتی بوده و تنها یک قرارگاه یا مقر تلقی شده است^{۵۰}. دل‌ن بستن به قرارگاه و آمادگی برای رسیدن به سکونتگاه اصیل و جاویدان نیاز به تذکرات نمادین بوده که در حیاط تجلی زیبایی می‌یابد. نظام چهاربخشی باغچه‌های حیاط گوشه‌ای از بهشت‌وارگی آنرا به نمایش می‌گذارد. انعکاس نماهای کالبدی در آب، بر رمز و رازهای عالم فرازمینی تأکید دارد. حضور شاعرانه باد در فضای حیاط و تصادم آن با عناصر طبیعی و زمینی، نمادپردازی‌های دیگری را نمایان می‌سازد. باد در کلام خدا مرتبتی بشارت‌دهنده و آگاهی‌بخش دارد^{۵۱}. در ادبیات ایران نیز موقعیت‌های خبرده با استعانت از باد صبا تصویر شده است^{۵۲}. در کلام خدا صعود از مرتبت خاک به سوی احدیت به واسطه دمیدن نفس رحمانی بوده که بر مضامینی همچون روحبخشی^{۵۳} و فراخوانی^{۵۴} تأکید دارد. تنها در پناه اتصال به این روح قدسی است که مصنوعات زمینی به مرتبتی بالاتر وارد می‌شوند^{۵۵}. اتصال مستقیم زمین با آسمان در فضای حیاط، بر این مضامین صحنه گذاشته و آن را به شکل نمادین نمایان می‌سازد. بازی نور و سایه و تلاش در



تصویر ۲. حیاط (خانه بروجردی‌ها) به مثابه یک قرارگاه زنده. مأخذ: www.namnak.com



تصویر ۱. حیاط (کاروانسرای مرنجاب) به مثابه یک جایگاه مادی. مأخذ: <http://www.mustseepersia.com>

محدوده یا جایگاه مادی کمک می‌کنند. این جایگاه علاوه بر مرزهای فیزیکی، از طریق مرزهای نامرئی معین نظیر حریم و غیره که برگرفته از بینش اسلامی است، تقویت می‌شود. محدوده فضایی ایجادشده، در درون خود عناصر متعددی از جمله حوض آب، کفسازی‌ها، باغچه‌ها، گل‌ها، درختان، انسان و غیره را احاطه می‌کند. انسان با حضور در این حیاط از اتفاقات جاری در آن آگاهی می‌یابد. به عبارت دیگر آگاهی یافتن از امور حیاط نیازمند احاطه حسی (یعنی بصری، لامسه، ...) بر آن است. علاوه بر این حضور همین عناصر طبیعی به حیات حیاط کمک می‌کند. بسیاری از جنبه‌های طبیعی و مادی موجود در حیاط نمادها یا نشانه‌هایی معنوی را در خود به نمایش می‌گذارند؛ به‌گونه‌ای که شمایی از سکونتگاه جاویدان بهشتی را برای انسان متذکر می‌شود. مقایسه تعاریف ارائه‌شده از محیط و حیاط که از زبان، بینش و معماری اسلامی حاصل شده است، چند نکته در خود دارد: نخست آنکه دلالت‌های معنایی محیط در زبان فارسی و بینش اسلامی قرابت نزدیکی دارند. از سوی دیگر دلالت‌های معنایی حیاط در زبان فارسی، بینش اسلامی و معماری ایرانی‌اسلامی قرابت نزدیکی دارند. علاوه بر این، مقایسه تعاریف فوق مؤید نزدیکی محیط و حیاط است.



تصویر ۳. حیاط (باغ فین) در پرتو نمادپردازی‌های متعدد به مثابه سکونتگاهی الهی و معنوی. مأخذ: <http://home.peymansaz.org>

الاهیت است.

از سوی دیگر، دقت نظر در ابعاد حیاط خواه در زبان و خواه در معماری مؤید این مطلب است که جدار، دیوار یا سایر عناصر کالبدی با محدود ساختن عرصه‌های بیکران، به ایجاد یک

نتیجه‌گیری

یافته‌های قبلی مؤید آن است که محیط و واژه‌های هم‌خانواده آن بر حصار فیزیکی (مقدم بر محصورکننده‌های غیر فیزیکی) تأکید دارند. به عبارت دیگر محصوریت محیط در بادی امر با عنصری فیزیکی حاصل می‌شود. از آنجاکه این مرز مادی یا فیزیکی محیط می‌تواند عینیتی کالبدی تلقی شود، لذا نخستین ویژگی محیط مبتنی بر عناصر کالبدی است. پس محیط در وجه نخستین خود به‌مثابه دربرگیرنده مادی فیزیکی نمود می‌یابد. حیاط نیز همانند محیط مستلزم برخورداری از این حصار بوده و با آن تجلی می‌یابد. محیط و حیاط (به مثابه یکی از هم‌خانواده‌های محیط) در این وجه هم دارای جسم هستند و هم دربرگیرنده اجسام (زنده و غیرزنده). محیط و حیاط با برخورداری از این حصارهای مادی فیزیکی بر یک جای یا جایگاه دلالت می‌کنند. با این تفاسیر محیط و حیاط در این مرتبت معرف فیزیک، کالبد و یا جسم بوده و از طریق ویژگی‌های آن نظیر حد، هندسه و غیره نمایان می‌شوند.

از سوی دیگر حضور انسان (به انضمام عناصر طبیعی، گیاهان یا موجودات زنده دیگر) به محیط تحرک، پویایی، زندگی و یا به عبارتی جان می‌بخشد. زیست انسان و دیگر عناصر طبیعی در محیط، موجد کیفیت‌های متفاوتی برای آن خواهد بود. از آنجاکه درک محیط وابسته به حضور انسان و درک کیفیات آن است؛ پس رابطه‌ای دوسویه میان محیط و انسان حاکم خواهد بود. با این تفاسیر بخشی از معنای محیط وابسته به زیست انسان (و دیگر عناصر زیستی) در این محدوده است و بخش دیگر آن به درک یا فهم کیفیات محیطی که توسط حس و نهایتاً ذهن انسان صورت می‌گیرد. لذا محیط در وجه دیگر خود به مثابه آگاهی از تفاوت یک حوزه با حوزه‌ای دیگر متجلی می‌شود. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های موجود میان حوزه حیاط با حوزه‌های پیرامونی است، حضور همین عناصر طبیعی و زیستی نظیر حوض آب، باغچه، گیاهان و پرندگان، باد و تصادم آن با درختان، ارتباط مستقیم حیاط با آسمان، انسان و الگوهای رفتاری آن است. با این تفاسیر محیط و حیاط در این وجه از یکسو جان گرفته و از سوی دیگر فهمی متفاوت را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

محیط و حیاط با فاصله گرفتن از قرارگاه رفتاری ادراکی فوق، خود را در محضر خداوندی حاضر می‌یابند. در این وجه، محیط (و حیاط) از وجودی برتر خبر می‌دهند. محیط حیاط با برخورداری از نمادپردازی‌های متعدد خود تمثیلی خواهد بود از سکونتگاهی که مأوای آغازین و پایانی انسان است. بدین‌سان با دمیدن روح معنوی در محیط حیاط که از طریق همین نمادها صورت می‌گیرد، روح انسان تسکین یافته و حضور وجود برتر را درک می‌کند. در این وجه که در تداوم وجوه قبلی محیط حیاط اعم از کالبد، جان-فهم قرار دارد، فضا به سمت کمال گرایش می‌یابد.

دقت نظر در ویژگی‌های محیط و حیاط که با عنایت به جسم، ذهن و روح مشخص شده‌اند، مؤید این حقیقت است که وجوه محیط از لایه‌ها یا مراتب پایین آغاز شده و رو به سوی مراتب بالا دارد. در این نظام مراتبی، هستی محیط حیاط از یک جایگاه مادی آغاز و با گذر از قرارگاهی رفتاری ادراکی که پذیرای زیست زمینی انسان و غیره است، یادآور سکونتگاه حقیقی و جاویدان او خواهد بود. تحقق این مراتب منوط به نقش‌آفرینی عناصری است که رابطه‌ای مستقیم با هستی هر مرتبه دارند. بدین‌سان برای رسیدن به یک جایگاه مادی که برگرفته از حدودی فیزیکی باشد، محیط حیاط نیازمند نقش‌آفرینی عناصری زمینی (یا مادی) است. در جایگاه بعدی که مختص رفتار و ادراک است، محیط حیاط وابسته به حضور طبیعت، رویدادها و غیره است. همچنین در مرتبت والای سکونتگاه، که محیط حیاط رنگ و بوی معنوی یا الهی می‌یابد، نقش‌آفرینی آیات، نشانه‌ها، قرائن، تمثیل‌ها و نمادها حتمی و ضروری است. علاوه بر این، یافته‌ها مؤید آن است که حیاط به مثابه یکی از فضاهای انسان‌ساخت، از همان وجوهی برخوردار است که هستی محیط را شکل می‌دهند. با این تفاسیر حیاط در معماری ایرانی اسلامی نمونه، الگو یا مصداقی از یک محیط است (جدول ۲).

جدول ۲. وجوه حیاط و تجلی آن در حیاط. مأخذ: نگارندگان.

مراتب معنایی محیط	ویژگی‌های مخصوص به هر مرتبه در محیط و انسان	نمود ویژگی‌های نمود و ویژگی‌های	دلالت‌های هر	عناصر کلیدی هر مرتبه
۱- محیط به مثابه حدود فیزیکی که جسم انسان را «در بر می‌گیرد»	مربوط به جسم محیط و جسم انسان مستلزم داشتن مرزهای فیزیکی، درجه‌ای از محصوریت است	جنس و رنگ و هندسه و ... محیط در این مرتبه موثر است. محیط با جداره‌های لایه لایه و محذب حس در برگرفته شدن را تقویت می‌کند	جایگاه مادی	نقش‌آفرینی عناصر زمینی
۲- محیط به مثابه محدوده‌ای که ذهن انسان معنایی متمایز از آن برداشت کرده و آن را از غیر متمایز می‌کند.	مربوط به جریان زندگی در محیط و ذهن انسان مستلزم این است که کیفیت‌هایی متفاوت درون آن محدوده وجود داشته باشد که این کیفیت‌ها در بیرون آن محدود نیست مثلاً حضور طبیعت یا شیوه‌ی خاصی از زندگی	جریان خاصی از زندگی (رفتارهای خاص) و یا وجود کیفیت‌های متفاوتی مثل حضور طبیعت این تمایز را تقویت می‌کند.	قرارگاه رفتاری/ادراکی	نقش‌آفرینی طبایع و رویدادها
۳- محیط به مثابه محمل یک وجود برتر که انسان تسلط و حضور او را فهم می‌کند	مربوط به حضور معنایی برتر در محیط و روح انسان مستلزم این است که محیط جهت داشته باشد جهت رو به درون و رو به بالا	تاکید بر جهت بالا دیدن آسمان و ...	سکونتگاه معنوی	نقش‌آفرینی نمادها

پی نوشت‌ها

MC Andrew.۱

Max Wertheimer.۲

Wolfgang Kohler.۳

Kurt Koffka.۴

Jane Jacobs.۵

Environmental Design Research Association (EDRA).۶

Amos Rapoport.۷

Kirk.۸

Sonnefeld.۹

- آراء حکمای مسلمان تفاوت‌های عمیقی با هم دارند اما از وجوه مشترکی هم برخوردارند. این وجوه اصول جهان‌بینی اسلامی است که در این پژوهش به عنوان مبنای نظری انتخاب شده است. در این صورت نیازی به ورود به تفاوت‌های این آراء در این مجال وجود ندارد. این مطلب را می‌توان در آیاتی نظیر «هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»، «و او همان کسی است که شما را از یک تن پدید آورد» (الانعام، آیه ۹۸) به صورت واضح دریافت.

این مطلب را می‌توان در آیاتی نظیر «وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»، «و کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شود» (البقره، آیه ۲۱۰؛ آل عمران، آیه ۱۰۹؛ الحج، آیه ۷۶؛ ...) به صورت واضح دریافت.

- به عنوان مثال: «أَمَّا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ»، (النبیاء، آیه ۱۰۸؛ الکهف، آیه ۱۱۰؛ فصلت، آیه ۶).

- حکمای مشاء سرچشمه عالم را منشأیی یگانه و «واجب‌الوجود» می‌دانند که «علت فاعلی» حقیقی اشیاء است (شریف، ۱۳۶۲: ۶۰۳). در نظر سهروردی، «نور» مبنای هستی است. زیرا «هم خود ظاهر است و هم عیان‌کننده دیگر موجودات است» (امین رضوی، ۱۳۸۷: ۱۳۰). ابن عربی تمام عالم را نشأت گرفته از حقیقتی «واحد»، «پنهان» و «وجود مطلق» می‌داند (پارسا، ۱۳۶۶: ۲۲). ملاصدرا، منشأ عالم را «حقیقت واحد» و «قائم‌به‌ذاتی» می‌داند که از شائبه هرگونه «تقیید، تحدید و ترکیب عاری است». این وجود یگانه، برابر با «نور و حیات» است (ملاصدرا، ۱۳۶۶).

- از نظر مشائیان، منشأ واجب‌الوجود عالم که ذاتاً از هرگونه تکثر به دور است، «عقلی است که به معرفت خود تواناست». او با اندیشیدن به خود، مقام غیب‌الغیبی را به کناری زده و برای نخستین مرتبه به عنوان شخص آشکار می‌شود (شریف، ۱۳۶۲: ۶۴۸). در دیدگاه سهروردی «نورالانوار» به عنوان موجودی یگانه، در بالاترین مرتبه از مراتب وجود، قرار دارد و با تابش و اشراق، مراتب گوناگون عالم را به وجود آورده است (امین‌رضوی، ۱۳۸۷: ۶۳). بنابراین، تمام مراتب هستی به وسیله نور ایجاد می‌شود. شدت نور در مراتب پایین وجود کاسته شده و رفته‌رفته به ظلمت می‌گراید. به بیان ابن عربی «وجود مطلق» در دو تجلی متواتر از پرده ستر به درمی‌آید؛ این دو تجلی که کل عالم ممکنات از آنها حاصل شده، چهار مرتبه یا عالم را در سلسله مراتب طولی مادون حضرت «احدیت» تشکیل می‌دهند (پارسا، ۱۳۶۶: ۲۵). به تعبیر ملاصدرا وجود یگانه از طریق «انبساط و ظهور» تمام عالم را به وجود آورده است (ملاصدرا، ۱۳۶۶). موجودات عالم در اصل و حقیقت، یکی بوده، همگی آنها از صفت حیات برخوردارند. باین حال تفاوت در شدت و ضعف وجود و تقدم و تأخر وجودی موجودات سبب افتراق و تفاوت آنها شده و انواع موجودات را ایجاد کرده است (همان: ۹).

وانک زین قندیل کم مشکات ماست نور را در مرتبه ترتیب‌هاست

زانک هفتصد پرده دارد نور حق پرده‌های نور دان چندین طبق

اهل صف آخرین از ضعف خویش چشمشان طاقت ندارد نور بیش

احول‌ها اندک‌اندک کم شود چون زهفتصد بگذرد او یم شود (مولوی)

به عنوان مثال: «وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى»، «و قطعاً شکنجه آخرت سخت‌تر و پایدارتر است» (طه، آیه ۱۲۷)؛ «وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ»، «و درحقیقت بعضی از انبیا را بر بعضی برتری بخشیدیم» (الاسراء، آیه ۵۵) و یا «هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ»، «آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد یکسان است» (النحل، آیه ۷۶).

- «...سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است» (ابراهیم، آیه ۲۴).

گهی رود به شمال و گهی دود به یمین

گهی محیط جهان و گهی به کل فانی (مولوی)

به گام عقل مساحت کند محیط فلک

به نور رای تصور کند خیال خیال (انوری)

چه مرکب در این فضا، چه بسیط

هست حکم فنا، به جمله محیط (شیخ بهایی)

آنان که محیط فضل و آداب شدند

در جمع کمال شمع اصحاب شدند (خیام)

شهی که هست دل و دست او به گاه سخا

یکی چو بحر محیط و یکی چو ابر مطیر (مسعود سعد)

واژه محیط در اشکال لمحیطه، محیط، محیط و محیط در مجموع ۱۱ بار به کار رفته است (بقره ۱۹، آل عمران ۱۲۰، نساء ۱۰۸ و ۱۲۶، انفال ۴۷، توبه ۴۹، هود ۸۴ و ۹۲، عنکبوت ۵۴، فصلت ۵۴، بروج ۲۰). از میان معانی این واژه در آیات فوق، ۴ عبارت به محیط بودن خدا بر اعمال انسان، ۲ عبارت به محیط بودن خدا بر هر چیز، ۲ عبارت به محیط بودن جهنم بر کافران، یک عبارت به محیط بودن خدا بر کافران، یک عبارت بر محیط بودن خداوند از هر سو و یک عبارت به محیط بودن روز قیامت اشاره دارد. از هم‌خانواده‌های محیط می‌توان به واژه یحیطون اشاره کرد این واژه دو بار و در سوره‌های بقره آیه ۲۵۵ و طه آیه ۱۱۰ به کار رفته است. در هر دو آیه معنی این واژه به عدم محیط بودن انسان بر علم و آگاهی خداوند دلالت دارد. همچنین واژه‌های یحیطوا یکبار (یونس ۳۹)، یحاط یکبار (یوسف ۶۶)، احاط ۴بار (اسراء ۶۰، کهف ۲۹، فتح ۲۱، طلاق ۱۲)، واحاط یکبار (جن ۲۸)، واحاطت یکبار (بقره ۸۱)، احیط دوبار (یونس، ۲۲ و کهف، ۴۲) به عنوان دیگر هم‌خانواده‌های محیط است که در قرآن کریم استفاده شده است.

اشاره دارد به آیه «وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ»، «و موج از هر طرف بر ایشان تازد و یقین کنند که در محاصره افتاده‌اند» (یونس، آیه ۲۲)؛

اشاره دارد به آیه «إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا»، «ما برای ستمگران آتشی آماده کرده‌ایم که سرپرده‌هایش آنان را دربرمی‌گیرد» (کهف، آیه ۲۹)؛

اشاره دارد به آیه «قُلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ»، «بلکه چیزی را دروغ شمرند که به علم آن احاطه نداشتند» (یونس، آیه ۳۹)؛

اشاره دارد به آیه «وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا»، «و به راستی دانش وی هر چیزی را دربر گرفته است» (الطلاق، آیه ۱۲)؛

(العمران ۱۲۰)

(فصلت ۵۴)
(البقره ۱۹)

اشاره دارد به آیه «إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ»، «به راستی در آسمانها و زمین برای مؤمنان نشانه‌هایی است» (جائیه، آیه ۳۳)؛ حیاط در اینجا به معنای دیوار و جدار آمده است. حیاط در اینجا به معنای فضایی در حصار دیوار آمده است.

"محوطه و هر جای دیواربست و سرای و خانه و صحن خانه. صحن و گشادگی خانه. در تداول فارسی، فضائی وسیع و بی‌سقف که اطاق‌ها بر طرفی یا چند طرف آن بنا شده است".

با استناد به آرای صاحب‌نظران شاخص در حوزه معماری اسلامی می‌توان بر محوریت کالبدی حیاط در بناهای درون‌نگرای ایرانی اعم از خانه (معماریان، ۱۳۸۷: ۱۲ و حائری‌مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۳۴)، مسجد (هیلن‌براند، ۱۳۷۷: ۱۴۲)، مدرسه (سلطان‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۳۸) و کاروانسرا (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۱۳) اذعان کرد. با استناد به آیه «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً» (البقره، آیه ۲۲)؛ «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِعَبْرٍ عَمَدٍ تَرْوَاهَا» (لقمان، آیه ۱۰)؛ و «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أُمْسِكْهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ» (فاطر، آیه ۴۱)؛ می‌توان گفت که زمین و آسمان به مثابه دو بعد از شش بعد حیاط در آفرینش خداوندی دارای هستی شده است. با اضافه شدن جداره‌های پیرامونی به این ابعاد که زاده انسان است هستی جدیدی برای آن شکل می‌گیرد. این مفاهیم با استناد به آیاتی نظیر «وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ»، «و هر چیزی نزد او اندازه‌ای دارد» (الرعد، آیه ۸) قابل تبیین است. اشاره دارد به آیه «وَأَتُوا النُّبُوتَ مِنْ آبَائِهِمْ»، «و به خانه‌ها از در [اورودی] آنها درآید» (البقره، آیه ۱۸۹)؛ حیاط خانه ما تنه‌است؛ حیاط خانه ما

در انتظار بارش یک ابر ناشناس خمیازه می‌کشد و حوض خانه ما خالی است ستاره‌های کوچک بی‌تجربه

از ارتفاع درختان به خاک می‌افتد (فروغ فرخزاد)

اشاره دارد به آیه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيًّا»، «و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم» (النبا، آیه ۳۰)؛

اشاره دارد به آیه «فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ»، «و چون باران بر آن فروریزدیم به جنبش درآید و بردمد» (فصلت، آیه ۳۹)؛

اشاره دارد به آیه «لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتَصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً»، «آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرو فرستاد و زمین سرسبز شد» (الحج، آیه ۶۳)؛ پدیده‌های یاد شده عمدتاً با فعل نَزَلَ توصیف شده‌اند.

اشاره دارد به آیه «وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا»، «و آن کس که آبی به اندازه از آسمان فرود آورد پس به وسیله آن سرزمینی مرده را زنده گردانیدیم» (الزخرف، آیه ۱۱)؛

اشاره دارد به آیه «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ»، «زنده را از مرده بیرون می‌آورد» (الانعام، آیه ۹۵)؛

اشاره دارد به آیه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (عنکبوت، آیه ۵۷)؛

اشاره دارد به آیات «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»، (نور، آیه ۲۷)؛ و «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ»، (نور، آیه ۲۹)؛

اشاره دارد به آیه «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ»، «و گفتیم ای آدم خود و همسرت در این باغ سکونت گیرید» (البقره، آیه ۳۵)؛

اشاره دارد به آیه «وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ»، «و برای شما در زمین قرارگاه و تا چندی برخوردار خواهد بود» (البقره، آیه ۳۶)؛

اشاره دارد به آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ»، «و از نشانه‌های او این است که بادهای بشارت‌آور را می‌فرستد» (الروم، آیه ۴۶)؛

بوی رامین می‌رسد از جان و بوی یزدان می‌رسد هم از اویس

از اویس و از قرن بوی عجب مر نبی را مست کرده، پر طرب (مولوی)

گویی از مجمر دل آه اویس قرنی به محمد نفس حضرت رحمان آرد (سنایی غزنوی)

اشاره دارد به آیه «وَنَفَخَتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي»، «و از روح خویش در آن دمیدم» (ص، آیه ۷۲)؛

اشاره دارد به آیه «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا»، «روزی که در صور دمیده شود و گروه‌گروه بیایید» (النبأ، آیه ۱۸)؛

اشاره دارد به آیه «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتْكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخَلَّقَ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفَخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي»، «یاد کن هنگامی را که خدا فرمود ای عیسی پسر مریم نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یاد آور آنگاه که تو را به روح‌القدس تأیید کردم که در گهواره آیه اعجازاً و در میانسالی آیه وحیاً با مردم سخن گفتی و آنگاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم و آنگاه که به اذن من از گل [چیزی] با به شکل پرند می‌ساختی پس در آن می‌دمیدی و به اذن من پرند می‌شد» (المائد، آیه ۱۱۰)؛

فهرست منابع

- ابن سینا. ۱۳۸۳. الهیات؛ دانشنامه علائی. ت: معین، محمد. ج ۲. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- ابن عربی. ۱۳۸۵. فصوص الحکم. ت: موحد، محمدعلی و موحد، صمد. تهران: کارنامه.
- امین رضوی، مهدی. ۱۳۸۷. سهروردی و مکتب اشراق. ج ۴. تهران: مرکز.
- انیس، ابراهیم و دیگران. ۱۳۸۹. فرهنگ المعجم الوسیط عربی به فارسی، جلد اول. ت: بندرریگی، محمد. تهران: انتشارات اسلامی.
- بختیاری منش، الهام. ۱۳۹۳. از معماری شکل تا معماری صورت. رساله دکتری معماری. دانشگاه شهید بهشتی.
- بلخاری قهی، حسن. ۱۳۸۴. مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی؛ دفتر اول: وحدت وجود و وحدت شهود. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- پارسا، محمد. ۱۳۶۶. شرح فصوص الحکم. ت: مسگرزاد، جلیل. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جهانگیر، عیسی. ۱۳۹۰. محیط زیست و بحران آن؛ رویکردی قرآنی. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۲ (۳): ۸۴-۶۳.
- جلیلی، محمد. ۱۳۸۹. ماهیت محیط؛ مروری تحلیلی بر مفهوم محیط در ادبیات روان‌شناسی محیطی. منظر، (۱۲): ۳۱-۲۸.
- راپاپورت، آموس. ۱۳۹۰. فرهنگ، معماری و طراحی. ت: برزگر، ماریا و یوسف‌نیایشا، مجید. تهران: انتشارات شلفین.

- راپاپورت، آموس. ۱۳۹۲. *انسان شناسی مسکن*. ت: افضلیان، خسرو. تهران: انتشارات کتابکده کسری.
- راپاپورت، آموس. ۱۳۸۴. *معنی محیط ساخته شده؛ رویکردی در ارتباط غیرکلامی*. ت: حبیب، فرح. تهران: انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
- زروانی، مجتبی و خداجویان، فاطمه. ۱۳۸۴. پاسداری از محیط زیست در آیات و روایات. *مجله پژوهش دینی*، (۱۲): ۲۶۶-۲۵۱.
- سامه، رضا و صداقت، علی. ۱۳۹۲. مرتبه بندی معماری متناسب با ساختار وجودی انسان براساس آموزه های قرآن و حکمت اسلامی. *پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم*، ۴ (۱): ۷۴-۳۹.
- سامه، رضا. ۱۳۹۲. *معماری و کیفیت زندگی انسان: تبیین مفهوم «کیفیت در معماری» مبتنی بر نظام معرفتی اسلام*. رساله دکتری معماری. دانشگاه تهران.
- سامه، رضا. ۱۳۹۳. *ظرفیت های معماری متناسب با مفهوم کیفیت زندگی انسان در قرآن*. *پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم*، ۵ (۲): ۱۰۸-۷۵.
- شریف، میر محمد. ۱۳۶۲. *تاریخ فلسفه در اسلام*. ت: پورجوادی، نصر ا... ج ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کربن، هانری. ۱۳۷۷. *تاریخ فلسفه اسلامی*. ت: طباطبایی، سید جواد. ج ۲. تهران: کویر.
- کربن، هانری. ۱۳۸۳. *ارض ملکوت؛ کالبد انسان در روز رستاخیز*. ت: دهشیری، سید ضیاءالدین. ج ۳. تهران: طهوری.
- گنون، رنه. ۱۳۸۹. *بحران دنیای متجدد*. ت: عزیزی، حسن. ج ۲. تهران: حکمت.
- لنگ، جان. ۱۳۸۳. *آفرینش نظریه معماری؛ نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. ت: عینی فر، علیرضا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معطوف، لویس. ۱۳۸۷. *فرهنگ المنجد عربی به فارسی، جلد اول*. ت: بندرریگی، محمد. تهران: انتشارات اسلامی.
- مک اندرو، فرانسیستی. ۱۳۸۷. *روان شناسی محیطی*. ت: محمودی، غلامرضا. تهران: انتشارات زرباف اصل.
- ملاصدرا. ۱۳۶۶. *شواهد الربوبیه*. ت: مصلح، جواد. ج ۱. تهران: سروش.
- LDCE. (2007). *Longman Dictionary Contemporary English*. Tehran: payeh danesh press
- Moore, G. T. (1979). *Architecture and Human Behavior: The Place of Environment- Behavior Studies in Architecture*. Stroudsburg, Pa: Wisconsin Architect.
- OALD. (2007). *Oxford Advanced Learner's Dictionary*. Tehran: Zabansara press.
- Rapoport, A. (2007). The Nature of the Courtyard House: A Conceptual Analysis. *TDSR*, 18 (2): 57-72.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/bagh.2018.60563
 URL: http://www.bagh-sj.com/article_60563.html

